

CASE NO. 950
CHAMBER TWO
AWARD NO. -950-2

پرونده شماره ۹۵۰

شعبه دو

حکم شماره ۲ - ۹۵۰ - ۵۵۷

DUPLICATE
ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

جلال معین،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده
ثبت شد
FILED
DATE 2 5 MAY 1994
تاریخ ۴ / ۲ / ۱۳۷۳

حکم

حاضران:

از طرف خواهان: آقای ماروین ام. دیوید،

وکیل خواهان،

آقای صمد پروین،

مشاور خواهان،

آقای بروس اچ. دیوید،

مشاور خواهان،

آقای جلال معین،

خواهان،

آقای امان الله ریگی،

شاهد،

آقای مسعود بنائیان،

شاهد.

از طرف خواننده: آقای علی حیرانی نوبری،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
آقای جعفر نیاکی،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای خسرو طبسی،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای همایون روح‌افزای،
مشاور حقوقی نماینده رابط.

سایر حاضران: آقای دی. استیفن متایس،
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا،
خانم مری کترین میلین،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا.

اول - جریان رسیدگی

۱ - خواهان، جلال معین، در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی علیه خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران ثبت کرد و بابت مصادره ادعایی بعضی مستغلات، حقاچه، اسناد مالی و سرمایه‌گذاری‌هایی که حسب ادعاء پس از فوت پدرش، ابوالقاسم معین در سال ۱۹۷۳، به عنوان ارثیه وی مالک ثلث آنها شده بود، خساراتی تقریباً به مبلغ ۲۲،۰۰۰،۰۰۰ دلار به اضافه بهره و هزینه‌های حقوقی مطالبه نمود. خوانده به مطالبی از جمله به صلاحیت دیوان اعتراض کرد با این استدلال که خواهان منحصرًا تبعه ایران است و نیز هرگونه مسئولیتی را انکار کرد به این علت که اموال مورد بحث مصادره نشده است. خوانده همچنین ارزشیابی خواهان از مستغلات مذکور را مورد سوال قرار داد.

۲ - دیوان طی دستور مورخ دهم فروردین‌ماه ۱۳۶۹ [۳۰ مارس ۱۹۹۰] تصمیم گرفت "کلیه موضوعات صلاحیتی، از جمله موضوع تابعیت خواهان را... به بررسی ماهیت پرونده منضم نماید."

۳ - جلسات استماع پرونده حاضر در روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۷۲ [هشتم و نهم فوریه ۱۹۹۴] برگزار شد.

دوم - واقعیات و اظهارات

۴ - دیوان تنها به آن دسته از واقعیات و اظهارات خواهد پرداخت که برای رسیدگی به پرونده ضرورت دارد.

۵ - خواهان در سال ۱۳۰۴ [۱۹۲۵] در ایران و از والدین ایرانی متولد شد و بدین

لحاظ به سبب تولد تبعه ایران است. وی چهل سال اول زندگی خود را در ایران گذراند و در سال ۱۳۴۴ [۱۹۶۵] وارد ایالات متحده شد و چنانکه اظهار داشته، صراحتاً اعلام کرد که قصد ماندگار شدن و کسب تابعیت دارد. خواهان در تاریخ ۳۰ آبانماه ۱۳۵۱ [۲۱ نوامبر ۱۹۷۲]، چنانکه نسخه گواهینامه تابعیت وی دلالت دارد، تابعیت ایالات متحده را کسب نمود. وی ادعا می‌کند که همسر ایرانیش نیز تابعیت ایالات متحده را بدست آورد. از آن ازدواج وی صاحب دو دختر شد که حسب ادعای خواهان، هر دو تبعه ایالات متحده هستند و همواره در آن کشور اقامت داشته‌اند. خواهان اظهار می‌دارد که از سال ۱۳۴۴ [۱۹۶۵] به طور مداوم در ایالات متحده زیسته و از همان سالی که به آمریکا وارد شد، آن کشور مرکز فعالیت‌های اجتماعی و تجاری وی بوده است. خواهان و همسرش از سال ۱۳۵۱ [۱۹۷۲] صاحب چندین خانه مختلف در ناحیه شهر نیویورک بوده‌اند. جلال معین همچنین مدارکی ارائه کرده است که نشان می‌دهد از سال ۱۹۷۴ به بعد در تاکسی‌رانی و از سال ۱۹۷۰ در سایر امور تجاری در شهر نیویورک فعالیت داشته است. خواهان همچنین نسخه‌هایی از اظهارنامه‌های مالیاتی ایالات متحده را که وی و همسرش مشترکاً برای سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ تسلیم کرده‌اند، ارائه نموده است.

۶ - خوانده ادعا می‌کند که خواهان حق طرح دعوی نزد این دیوان ندارد زیرا اثبات نکرده است که تابعیت غالب و موثر وی تابعیت ایالات متحده است. به ویژه، خوانده استدلال کرده است که خواهان هیچگاه عملاً "تابعیت ایرانی خود را به نحوی که طبق قوانین ایران رسمیت داشته باشد، ترک نکرده است.

۷ - راجع به ادعای خواهان اظهار می‌دارد که "علاق وی بدان سبب صادره شده که او تبعه ایالات متحده بوده است". خوانده هم صادره ادعایی و هم انگیزه ادعایی آن را انکار می‌کند. خواهان همچنین اظهار می‌دارد که وی قادر نیست بر اموال خود بدون محدودیت اعمال حق مالکیت کند. خواهان در دادخواست ادعا کرده است

که بابت سهم الارث خود و خانواده‌اش، صاحب ثلث اموال و حقوق صادره شده می‌باشد. در جلسه استماع، مشاور خواهان اظهار داشت که در واقع خواهان صاحب دو نهم ارثیه بوده، اما در مبلغ خواسته تغییری ایجاد نشد.

۸ - در جلسه استماع خواهان دو شاهد به اسامی آقای ریگی و آقای بنائیان معرفی کرد.

۹ - آقای ریگی که یکی از دوستان قدیمی خانواده خواهان است راجع به ماهیت اموال که متجاوز از شصت سال با بیشتر آنها آشنایی داشته، شهادت داد و اظهار داشت که سابقاً هم به منزل مسکونی خانواده معین در شهر یزد و هم به مزرعه و خانه بیلاقی آنها رفت و آمد می‌کرد و به علاوه با مغازه‌هایی که در منطقه بازرگان متعلق به خانواده معین بود، آشنایی داشت. آقای ریگی در ماه نوامبر ۱۹۸۰ ایران را ترک کرد. وی اظهار داشت که مدت کوتاهی قبل از عزیمت از ایران از جلوی منزل خانواده معین عبور کرد ولی وارد آن نشد. طبق اظهار آقای ریگی، چند نفر در حال رفت و آمد به خانه بودند، اما به نظر وی، آنها جزو افراد خانواده معین نبودند. آقای ریگی قبل از عزیمت از کشور حسب ادعا از مغازه‌های واقع در منطقه بازرگان که بخشی از ارثیه خانواده معین بود نیز بازدید کرد و در آن مورد، پسر دایی آقای معین که دوست آقای ریگی است حسب ادعا به وی گفت که اجاره بهای مغازه‌ها را دولت ایران وصول می‌کند.

۱۰ - شاهد دیگر، یعنی آقای بنائیان در سال ۱۹۸۶ به منظور ارزیابی اموال مورد بحث در پرونده حاضر به ایران مسافرت کرد. نامبرده که حسب اظهار، ارزیاب و دلال املاک است در ابتدا از خانه واقع در یزد بازدید کرد. وی شهادت داد که با افرادی که در آن زمان در خانه می‌زیستند صحبت کرد و ادعا نمود که آن افراد به وی گفتند که از زمان انقلاب اسلامی خانه متعلق به بنیاد مستضعفان بوده است.

آقای بنائیان ارزش دو نهم سهم آقای معین در خانه یزد را ۳،۱۵۰،۰۰۰/- دلار ارزیابی کرد.

۱۱ - آقای بنائیان پس از مسافرت به یزد، به خانه بیلاقی و مرکز خرید بازرگان رفت و در هر دو محل از سکنه و افراد شاغل در آن املاک هویت صاحب املاک را جویا شد. آقای بنائیان شهادت داد که در هر دو مورد به وی گفته شد که بنیاد مستضعفان از زمان انقلاب اسلامی به بعد صاحب املاک بوده است. دو نهم سهم آقای معین در خانه بیلاقی تقریباً ۲،۰۰۰،۰۰۰/- دلار ارزش داشته و در مغازه‌ها نیز همین مقدار بوده است. آقای بنائیان نتیجه‌گیری کرد که کل ارزش ادعای خواهان تقریباً ۲۲،۰۰۰،۰۰۰/- دلار است.

۱۲ - هیچ مدرک مستندی درباره مصادره ادعایی اموال مورد بحث چه از ناحیه خواهان و چه از ناحیه خواهر و برادرانش که بعضی از آنها در ایران و بعضی در ایالات متحده زندگی می‌کنند به دیوان ارائه نشده است.

۱۳ - خواننده نخست یک دفاع صلاحیتی در قبال ادعای خواهان مطرح کرده است. ایران متذکر می‌شود که خواهان تاریخ ایجاد ادعا و نیز اقداماتی را که حسب ادعا دولت انجام داده و در نتیجه آنها موجب تضییع حقوق خواهان گردیده مشخص نکرده است. به این دلایل، ایران استدلال می‌کند که خواهان در واقع ادعایی ارائه نکرده و خاطرنشان می‌سازد که بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد.

۱۴ - در ماهیت دعوی، خواننده انکار می‌کند که هیچیک از حقوق مالکانه خواهان مصادره شده باشد و ادعا می‌کند که خود خواهان مقداری از اموال را فروخته و بقیه اموال کماکان متعلق به اوست. در اثبات این مدعا، خواننده مدارکی ارائه کرده که ظاهراً ثابت می‌کند خواهان با وکالتنامه سهم خود را در بعضی مستغلات مورد بحث قبل از

انقلاب اسلامی و نیز بعضی از آنها را بعداً" و حتی در مارس ۱۹۸۳ فروخته است.

سوم - صلاحیت

۱۵ - راجع به تابعیت خواهان بحثی نیست که وی به سبب تولد تبعه ایران است. مدرکی وجود ندارد که وی هیچگاه تابعیت ایرانی خود را ترک کرده و یا به نحوی از آنجا آن را از دست داده باشد. در عین حال آقای معین نشان داده است که از سال ۱۹۷۲ تبعه ایالات متحده بوده است.

۱۶ - بر مبنای این نتیجه‌گیری که خواهان طی دوره ذریبط مورد بررسی تبعه هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده، دیوان وفق تصمیم خود در پرونده شماره الف - ۱۸، یعنی تصمیم شماره ۳۲ مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] دیوان عمومی (چاپ شده در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251) (پرونده شماره الف - ۱۸) باید به منظور تعیین صلاحیت رسیدگی به ادعای خواهان، تابعیت غالب و موثر وی را تعیین نماید. در تصمیم صادره در پرونده شماره الف ۱۸، دیوان نظر داد که "صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه ایران توسط افراد دارنده تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذریبط، از تاریخ ایجاد ادعا تا تاریخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، تابعیت ایالات متحده بوده باشد." همان ماخذ، 5 Iran-U.S. C.T.R. at 265. دیوان با ملاحظه کلیه عوامل و ادله مربوط متقاعد شده است که تابعیت غالب و موثر خواهان در کلیه اوقات ذریبط از زمان انقلاب اسلامی تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تابعیت ایالات متحده بوده است. محل سکونت و فعالیت‌های شغلی خواهان در کلیه اوقات ذریبط در نیویورک واقع بوده و تنها علاقه مالی وی در ایران ظاهراً "مالکیت مشاعی وی در اموال مورد بحث در ادعای حاضر بوده است.

۱۷ - دیوان باید این مساله را نیز بررسی کند که آیا خواهان عملاً ادعایی اقامه کرده است یا خیر. در واقع پاره‌ای نقایص یا کاستی‌های موجود در لوایح کتبی خواهان ممکن است به تردید درباره وجود اصل ادعا بیانجامد. در صورتیکه ادعایی به مفهوم مندرج در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در دوره ذیربط پابرجا نبوده باشد، دیوان صلاحیتی نخواهد داشت. لیکن با توجه به مطالب ابرازی در جلسه استماع، دیوان آماده تصدیق این مطلب است که ادعایی نزد دیوان اقامه گردیده که حسب ادعا ناشی از اقداماتی است که در برهه‌ای از انقلاب اسلامی و قبل از لازم‌الاجرا شدن بیانیه مزبور بر حقوق مالکیت خواهان موثر بوده است.

چهارم - ماهیت

۱۸ - خواهان اظهار می‌دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران دو نهم سهم مشاعی وی در املاک و سایر حقوق مالکانه وی را مصادره کرده است. موضوعی که در اینجا مطرح است این است که آیا پاره‌ای اقدامات که خوانده مسئول آن است خواهان را از حق مالکیت خود محروم کرده است یا خیر.

۱۹ - خواهان در لوایح کتبی خود به هیچ اقدامی از ناحیه خوانده اشاره نکرده است که احتمالاً مصادره یا اقدام دیگری محسوب گردد که بر حقوق مالکانه خواهان اثر گذاشته باشد. در این زمینه، دیوان ملاحظه می‌کند که اظهار خواهان دایر بر اینکه وی قادر نیست بر اموال خود بدون محدودیت اعمال مالکیت کند، آنقدر قاطعیت ندارد که به وضوح گفته شود مصادره‌ای صورت گرفته است. در جلسه استماع، دو شاهدی که خواهان معرفی کرده بود شهادت دادند که راجع به بعضی املاک شنیدند که بنیاد مستضعفان یا صاحب آنها بوده و یا اجاره‌بهای آنها را وصول می‌کرده است. در این باب، دیوان ملاحظه می‌کند که شهادت آقای ریگی مبهم و غیرقطعی بوده است. وی شهادت داد که آخرین باری که در سال ۱۹۸۰ خانه

واقع در یزد را دید، افرادی در حال ورود به آن یا خروج از آن بوده‌اند که به نظر وی اعضای خانواده معین نبودند. به نظر دیوان، این اظهار به هیچوجه مصادره ادعایی خانه را ثابت نمی‌کند. آقای بنائیان هم راجع به موضوع مصادره و هم راجع به ارزش املاک مزبور شهادت داد. راجع به موضوع مصادره ادعایی، آقای بنائیان صرفاً "شهادت داد که در سال ۱۹۸۶ به وی گفته شده بود که بعضی املاک مورد بحث در پرونده حاضر از ابتدای انقلاب اسلامی متعلق به بنیاد مستضعفان بوده است. به نظر دیوان، این اظهار شهادتی است افواهی که دیوان نمی‌تواند بدان استناد کند مگر آنکه با مدرک مستندی به اثبات برسد. چنین مدرکی در پرونده وجود ندارد. دیوان توجه دارد که خواهان در جمع‌آوری دلیل با مشکلاتی مواجه بوده، اما انتظار دارد که مصادره اموال مورد بحث با نوعی ادله مستند، مثلاً "مکاتبات مربوط به زمان مصادره، نشان داده شود. در هر حال، دیوان ناچار است احکام خود را بر مبنای ادله اثباتی صادر کند. سئوالی که می‌توان مطرح کرد این است که چرا نه خواهر و برادران خواهان و نه آقای بنائیان که در سال ۱۹۸۶ به ایران مسافرت کرد نتوانستند چنین ادله‌ای را جمع‌آوری کنند.

۲۰ - دیوان با توجه به مدارک تسلیمی در پرونده و شهادت ابرازی در جلسه استماع بناچار نتیجه می‌گیرد که خواهان نشان نداده است که مصادره ادعایی اموال مختلف مورد بحث در چه زمان و با انجام چه اقداماتی صورت گرفت. راجع به زمان مصادره، خواهان در جلسه استماع اظهار داشت که مصادره در زمانی بین نوامبر ۱۹۷۹ و تاریخ لازم‌الاجرا شدن بیانیه حل و فصل وقوع یافته است و راجع به اقدامات مصادره‌ای، نه محرومیت خواهان از حقوق خود ثابت گردیده و نه قابلیت انتساب هیچ عملی به خوانده. بر این اساس، دعوی به لحاظ فقد دلیل رد می‌شود.

پنجم - هزینه‌های داوری

۲۱ - هریک از طرفین باید هزینه‌های مربوط به خود را تقبل نماید.

ششم - حکم

۲۲ - به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف - بدینوسیله دعوی به لحاظ فقد دلیل رد می‌شود.

ب - هریک از طرفین باید هزینه‌های خود را بابت داوری دعوی حاضر متقبل گردد.

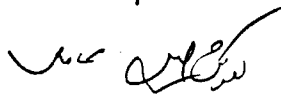
لاهم، به تاریخ ۱۳۷۳/۳/۳ برابر با ۲۴ می ۱۹۹۴



کریستوف اسکویشفسکی

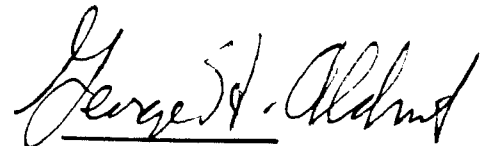
رئیس شعبه دو

به نام خدا



کورش حسین عاملی

موافق با نتیجه



جرج اچ. آلدريج